



■ نشریه علمی ، خبری و صنفی ■ سال دوم ■ شماره ۳۶+۴ ■ ۸ صفحه ■ بهمن ماه ۱۳۸۵

طبیب حریب

ما و جانبازان شیمیایی



دکتر جعفر اصلانی

به دنبال تحمیل جنگ به ایران توسط نظام سلطه و در رأس آن آمریکای جنتی‌سکار آثار مخربی را در جامعه ما بر جای گذاشت. یکی از این پیامدها به جای ماندن چند صد هزار جانباز در جامعه است، هر چند این جانبازان سند افتخار و مظلومیت جمهوری اسلامی هستند، ولی مشکلات جسمی و روحی بی‌شماری برای این عزیزان ایجاد شده که در بعضی موارد دانش پزشکی فعلی نیز به دلیل عدم وجود مستندات علمی کافی در جهت تشخیص و درمان باعث پیچیدگی نحوه برخورد با این جانبازان به وسیله کادر پزشکی شده است. یک گروه بزرگ از این دسته، جانبازان شیمیایی هستند که شامل بیش از ۵۰ هزار نفر می‌شوند.

عارضه مزمن این گروه ناشی از مصدومیت با گاز جنگی خسرلد (mustard gas) است. عوارض این گاز سه طور عمده در چشم، پوست و ریه می‌باشد. عوارض چشمی معمولاً به صورت فتوفوبی، خشکی چشم و در موارد شدید کراتیت و به ندرت منجر به کوری می‌شود و در پوست سوزش، خارش، تغییر رنگ و پیگمانتاسیون ایجاد می‌کند.

این گاز در سیستم تنفسی موجب اختلال در عملکرد طباب‌های صوتی، ترائشه و برونش‌های اصلی به صورت اولسراسیون و تنگی می‌شود که البته عارضه ششایی نیست و تعداد این افراد محدود است ولی درگیری پارانشیم ریه به خصوص راه‌های هوایی کوچک و پرونشیلوها مشکل اصلی ریوی این بیماران است که هر چند از نظر علائم مشابه بیماری‌های ریوی مثل آسم و COPD است ولی از نظر پاتولوژی، فیزیوپاتولوژی و درمان با بیماری‌های فوق تفاوت جدی دارد.

خوشبختانه بیش از ۹۰ درصد ضایعات ریوی این جانبازان در حد خفیف است و هر چند علائم ناشی از بیماری باعث رنج و محنت آنان می‌شود ولی به نظر می‌رسد مسیر پیش‌رونده نداشته و به هیچ عنوان موارد خفیف منجر به نارسایی تنفسی و یا مورتالیتی نمی‌شود.

بروز بیماری‌های مهمی مانند بدخیمی‌ها هر چند در بعضی از منابع ذکر شده ولی در بررسی‌های به عمل آمده به نظر می‌رسد مشکل جدی و فراگیری نیست و از این جهت نباید بدون دلیل متقن علمی جو نگرانی و التهاب را در این افراد ایجاد نمود. به طور مثال در یک رفرنس ذکر شده که تماس با Mustard gas ریسک کانسر ریه را دو برابر می‌کند در صورتی که در افراد سیگاری ریسک بروز کانسر ریه تا بیش از ۱۰ برابر جمعیت عمومی (General population) است، هر چند موقعیت‌های زیادی در جهت تشخیص و درمان عوارض گازهای شیمیایی در چند سال اخیر حاصل شده است ولی تلاش پژوهشی بیشتر به وسیله محققان علوم پزشکی جهت دستیابی به روش‌های مؤثرتر درمانی ضرورتی جدی است.

❖ فوق تخصص ریه و استاد دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله



۴۱ امین عنوان؟؟

از سال ۱۳۷۵ تا امروز ۹۳۰ عنوان منتشر کرده‌ایم



گزارشی از بخش جانبازان بیمارستان ساسان

ستارگانی که بر خاک افتاده اند



از اهواز آمده است. ۱۴ سالش بود که جانباز شد.از پشت میزهای مدرسه به کردستان رفت و همان‌جا شیمیایی شد. وقتی با مادرش احوال‌پرسی می‌کتم به یکباره آتش می‌گیرد: «بچه‌هام رو میخوای چه کار! ۵ماه است که اینجاییم ... غیر از حرف زدن، غیر از احوال‌پرسیدن مگه کار دیگه‌ای هم بلدی؟! من سادرم! این دلم، این سینه‌ام داره می‌ترکه! به کسی بگم؟ من نمی‌کم مسلمون!ا بگو سگ بیایون! این هم بچه منه! اگر کاری بلدی بکن! والا برو!»

شماره‌ها جای هم را می‌گیرند. اول، دوم، سوم، ... دهم، یازدهم. آسانسور بالا می‌رود. همان آسانسوری که ۲۶ سال پیش برای همیشه پایینم آورد. آفتاب تازه غروب کرده بود و مهنایی سقف چشمانم را می‌زد.با هراس به اطرافانم نگاه می‌کردم و آنها مدام می‌خندیدند. آن روز همه می‌خندیدند و هیچ کس نمی‌دانست تنها دو هفته بعد از تولد من، سایه شوم شیطان بر خاک خسته ایران خواهد نشست نسل من در خاموشی مطلق زیر راپله‌های تاریک و لایلای بمب و موشک و باروت قد کشید و با لکت و وحشت زبان باز کرد.نسل من با صدای آژیر قرمز به مدرسه رفت و هر صبح پای صف مرگ صدام و دوستانش را با این حال، ندانستن آمار دقیق ویژگی مشترک همه بخش‌های جامعه ایرانی است.

همراهی گاز خسرلد با برخی اختلالات و بدخیمی‌های سیستم خونی سال‌هاست که گزارش شده است اما جای خالی یک مطالعه جامع بر روی جانبازان شیمیایی ایران در این مورد همچنان به چشم می‌آید. دکتر رحمتیان متخصص ENT،خدمات پزشکی را به یک چاه بی‌انتها تشبیه می‌کند: «هر چقدر هم که تلاش کنیم، باز هم جا دارد. به هر حال این آدم‌ها از جان خودشان گذشته‌اند. کاری که من و شما جرأتش را نداریم!» وقتی از مشکلات رایج در حوزه تخصصی دکتر رحمتیان می‌پرسم، ترجیح می‌دهد که در پاسخ سؤال‌هایم، شرح حال یکی از جانبازان را بازگو کند: «این جانباز، ۲۳ سال پیش مورد اصابت ترکش شوم که چرا یک انسان به ظاهر مسلمان می‌تواند به این حد از ذلالت برسد که به این راحتی کشتار کند ...»

آن طور که می‌گوید دوره‌ای عضو تیم بسکتبال با ویلچر استان تهران نیز بوده است. وقتی در مورد اعدام صدام می‌پرسم و جوابش را می‌شنوم به نگاه بلندش غیظه می‌خورم: «مسلمان واقعی کسی است که از مرگ و ذلالت بنده خدا خوشحال نشود ما باید از این ناراحت شویم که چرا یک انسان به ظاهر مسلمان می‌تواند به این حد از ذلالت برسد که به این راحتی کشتار کند ...»

آقای باوفا برای خونریزی مثانه و انجام سیتوسکوپی در بیمارستان بستری است.

پژشکان بیمارستان

دکتر حسینی مشغول گذاشتن دستورات است. فوق‌تخصص هماتولوژی دارد و علاوه بر



■ بهاء ۱۰۰ تومان ■ این نشریه به رایگان برای تمامی صاحبان حرف پزشکی سراسر کشور ارسال می‌شود

چاقویی به نام گاما

کفت وکویا دکتر محمد چواندخعی ، ریاست شورای عالی سیاست گذاری صدا و سیما

اندیگاسیون‌های رسانه ملی

خلاصه‌نویسی

رفرنس‌ها

توفیلین Theophylline



یادداشت

لطفاً کتاب‌ها را از کتاب‌فروشی خارج نکنید!

۱- چند هفته‌ای است که در اتوبوس‌های شرکت واحد کتاب‌های جیبی پیدا می‌شود. «کتاب باید هلو باشد» عنوان جذاب یکی از این کتاب‌است.

۲- درست در روزهایی که شهرداری تهران به عنوان متولی انتشار روزنامه مشهوری و مدعی ترویج فرهنگ و کتاب‌خوانی، حتی اتوبوس‌هایش را هم با کتاب‌های جیبی تزئین می‌کند، مأموری با برگه اخطاربه کمیسیون ماده صد شهرداری وارد، کتاب‌فروشی مرکزی انتشارات تیمورزاده می‌شود. از قرار معلوم رأی نهایی کمیسیون، بازگشت کتاب‌فروشی به کاربری مسکونی و تعطیلی آن است. هر چند در سال ۸۳ بر مبنای بخشنامه معاون هماهنگی امور عمرانی وقت به شهرداری‌ها دستور داده شده بود تا در کار ناشران و کتاب‌فروشی‌ها در مکان‌های غیرتجاری ممانعتی ایجاد نشود.

۳- در آن کتاب با ارزش به جملات زیر می‌خوریم:« در حالی که دیگران در کشورهای دیگر در زمینه موضوعات گوناگون، گاهی ده‌ها هزار عنوان کتاب و تألیف دارند، اما درباره همان موضوعات تعداد کتاب‌های ما انگشت شمار است. واقعاً آن آدم می‌لسرزد ... اما‌ها می‌گویند که هفت میلیون نوجوان همین روزها (مظور ۶ مسال قبل است) وارد شازده سالگی می‌شوند.

خب ما برای این هفت میلیون نفر چه داریم و چند جلد کتاب منتشر کرده‌ایم؟»

این حرف‌ها درد دل‌های یک ناشر نیست. حتی وزیر ارشاد هم نگفته است.این‌ها حرف‌های غمبار رهبری است که کمتر شی بدون کتاب به خواب رفته است. رهبری که زمانی گفته بود: «همچنان‌که حالا به بهترین مولفان و بهترین نویسندگان جایزه می‌دهنده، باید هر آنچه مربوط به تولید کتاب و کتاب‌خوانی است مورد توجه و تشویق قرار بگیرد، اما از اندیشه‌های ساکنانر کشتنی فرهنگی‌ترین انقلاب قرن تا مسئولانی که تنها در بخش‌نامه‌ها خلاصه می‌شوند، چند دریا راه است؟»

۴- هنوز آخرین جملات دکتر فریور، مدیر انتشارات چهر در یادمان است:«ناشر در این مملکت باید گنج قارون و صبر ایوب داشته باشد». اما در روزگار ما انگار تنها گنج قارون و صبر ایوب کافی نیست. ناشر باید یاد بگیرد چگونه زیر بار سنگین نشر کتاب هر لحظه منتظر ابله‌به و اخطاربه نازهای هم از شهرداری و دارایی و جرمیه‌های تأمین اجتماعی باشد. و به این ترتیب بخشی از وقت و توان و تمرکزش را همیشه برای دست و پنجه نرم کردن با این مشکلات تمام نشدنی کنار بگذارد. ۵- (لطفاً کتاب‌ها را از اتوبوس خارج نکنید». در اتوبوس‌های جدید شرکت واحد این جمله در چند جا نصب شده است. اما بیرون بردن یکی دو جلد کتاب جیبی آنقدر هم آسان نیست. اتفاق ناگواری نیست. لاقلم می‌توان دل خوش داشت که کتاب به اهالش می‌رسد!اما بیرون بردن چند هزار جلد کتاب مرجع از کتاب‌فروشی مرکزی و تعطیلی آن چه معنایی غیر از توقف دردناک یک حرکت فرهنگی دارد؟